



A Study of the Circumstance of Revelation for the Verse of the Inheritors of the Earth Relying on Sunni and Shi'ite Exegeses

Fātemeh Bābā Ali* | Mohammad Mahdi Taqdisi** | Ja'far Nekounām***

Received: 2020/6/22 | Accepted: 2020/12/10

Abstract

Studying Qur'anic verses relying on their circumstance of revelation unveils some hidden truths about them. In this article, the 5th verse of Surah al-Qisas known as the Inheritors of the Earth is studied by such an approach. As it appears from its context, this verse implies that the will of God desired to show favor upon the Bani Isrā'il who were under the oppression of the Pharaoh to make them the heirs of a land named the Promised Land in the Holy Book. The present article discusses that although the context of this verse refers to the Bani Isrā'il during the age of Prophet Moses, regarding the fact that it was revealed in the Makki period when the Muslims were oppressed by the Mushrik leaders, it is definitely considered as good tidings for the Muslims that like Bani Isrā'il, they would relieve from tyranny and oppression, reach leadership, and inherit a land. Of course, this verse involves the general principle that the divine tradition desires that the oppressed people in every era specially Ākher al-Zamān (End Time) would achieve the leadership and inheritance of the earth.



Keywords: The 5th Verse of Surah al-Qisas, Circumstance of Revelation, The Oppressed, Inheritors of the Earth, Imāms

* Ph.D. Student in the Qur'an's Sciences and Hadith, Azad University of Yadegār Imām Khomeyni, Shahr-e Rey, Iran | q.babaali@yahoo.com

** Assistant Professor at the Department of the Qur'an's Sciences and Hadith, Azad University of Yadegār Imām Khomeyni, Shahr-e Rey, Iran (Corresponding Author) | mm.taghdisi@gmail.com

*** Full Professor at the Department of the Qur'an's Sciences and Hadith, University of Qom, Qom, Iran | jnekoanam@gmail.com

□ Bābā Ali, F; Taqdisi, M.M; Nekounām, J (2021) A Study of the Circumstance of Revelation for the Verse of the Inheritors of the Earth Relying on Sunni and Shi'ite Exegeses. *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 7 (13) 31-58. Doi: 10.22091/PTT.2021.6317.1882





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی فضای نزول آیه وارثان زمین با تکیه بر تفاسیر فریقین

فاطمه باباعلی* | محمدمهدی تقدیسی** | جعفر نکونام***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰

چکیده

مطالعه آیات قرآن با تکیه بر فضای نزول، پرده از پاره‌ای از حقایق پنهان آیات برمی‌دارد. در این مقاله آیه پنجم سوره قصص، مشهور به آیه وارثان زمین که می‌فرماید: *وَرُيِّدُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ*، با چنین رویکردی مطالعه شده است. این آیه، چنان‌که از سیاقش برمی‌آید، دلالت دارد بر این که اراده خداوند بر این قرار گرفت که بر بنی اسرائیل که تحت استضعاف فرعون بودند، منت نهد و آنان را پیشوایان و وارثان سرزمینی قرار دهد که از آن در کتاب مقدس به نام سرزمین موعود یاد شده است. در مقاله حاضر، سخن درباره این است که اگرچه سیاق آیه ناظر به بنی اسرائیل زمان حضرت موسی (ع) است، با عنایت به این که این آیه در دوران پیش از هجرت و متناسب با وضعیت و فضای تحت استضعاف واقع شدن مسلمانان توسط سران شرک نازل شده، بی‌گمان در حکم بشارتی بوده که ایشان نیز مانند بنی اسرائیل از ستم‌رهای خواهند یافت و به پیشوایی و وراثت سرزمین نایل خواهند آمد. البته این آیه نیز متضمن یک قاعده کلی و گویای سستی الهی است مبنی بر این که مردمان مستضعف در دوران‌های مختلف، به‌ویژه در آخرالزمان، سرانجام به پیشوایی و وراثت زمین نایل خواهند آمد.



کلیدواژه‌گان: آیه ۵ سوره قصص، فضای نزول، مستضعفان، وارثان زمین، ائمه.

* دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران | q.babaali@yahoo.com

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) | mm.taghdisi@gmail.com

*** استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم: ایران - قم | jnekoanam@gmail.com

مقدمه

هریک از آیات و سوره‌های قرآن کریم، طبعاً در بستر، فضا و اوضاع تاریخی خاصی نازل شده است. حدود نود سوره در مکه و متناسب با حاجات، مقتضیات و حوادث دوران پیش از هجرت و حدود ۲۴ سوره نیز در مدینه و مرتبط با حاجات، مقتضیات و حوادث دوران پس از هجرت آن حضرت نازل گردیده‌اند.

مراد از فضای نزول قرآن، همین اوضاع اجتماعی و تاریخی حاکم بر مردم مکه در دوره مکی و مردم مدینه در دوره مدنی است؛ البته باید دانست که اگرچه اوضاع اجتماعی و تاریخی حاکم بر مردم مکه یا مدینه سبب نزول آیات قرآن بوده‌اند، معمولاً از این شرایط عام و کلی اصطلاحاً به «سبب نزول» تعبیر نمی‌شود. مقصود ما نیز در این مقاله از فضای نزول، همین وضعیت عام و کلی حاکم بر مردم مکه یا مدینه در زمان نزول قرآن است و هرگز سبب نزول مصطلح مقصود نیست که عبارت از یک حادثه خاص باشد؛ بر این اساس، برای تبیین فضای نزول سوره‌های قرآن و از آن جمله آیه ۵ سوره قصص که در این مقاله محور بحث است، لزوماً از روایات اسباب نزول بهره‌برداری نمی‌شود، بلکه از روایات تاریخی و یا اشارات خود آیات قرآن درباره اوضاع عمومی و کلی مردم مکه قبل از هجرت بهره خواهیم برد.

سوره قصص طبق روایات ترتیب نزول و گواهی آیاتش، در اواسط دوره مکی نازل شده است. مساله مورد بحث مقاله، این است که آیه پنجم این سوره که می‌فرماید: *وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ*، در چه فضا و بستر تاریخی‌ای نازل شده؟ مناسبت و اقتضای نزول آن، چه بوده؟ اوضاع عام و کلی حاکم بر مردم مکه در زمان نزول آن چگونه بوده؟ و در نهایت این که در آن برهه زمانی، چه وضعیتی در مکه حاکم بوده که این سوره و از آن جمله، آیه وارثان زمین، ناظر به آن اوضاع نازل شده است؟

پیشینه بحث

مقالاتی درباره آیه ۵ سوره قصص، نوشته شده؛ از جمله: مقاله «ارزیابی نظریات مفسران فریقین، در تفسیر آیه پنجم سوره قصص» (دژآباد و پایدار، ۱۳۹۳ش)؛ مقاله «نقد و بررسی

تفاسیر فریقین از آیات توارث» (حسنی بافرانی، ۱۳۹۵ش)؛ و مقاله «وعدۀ قطعی خدای متعال به تحقق حکومت مهدوی در زمین - پژوهش تطبیقی در آیه ۵ قصص» (طیب حسینی، ۱۳۹۷ش) که هر کدام نگاهی متفاوت به آیه داشته‌اند و البته یک هم‌پوشانی نیز در همه آن‌ها، به جهت بهره‌گیری از منابع مشابه، دیده می‌شود. نکته مهم و قابل توجه در همه این مقالات آن است که یا به فضای نزول آیه پرداخته و یا اگر پرداخته‌اند، به اشاره‌ای گذر کرده‌اند. اما بررسی‌های نگارنده، نشان می‌دهد که در تفاسیر اهل سنت، هرگز به فضای نزول آیه پرداخته نشده است و این تفاسیر فقط به شرح خود آیه اکتفا نموده‌اند. در تفاسیر شیعه نیز تقریباً فضای نزول آیه مسکوت نهاده شده، جز این که بر ظهور حضرت قائم (ع) در آخرالزمان انطباق داده شده است، اما از میان تفاسیری که به اختصار به فضای نزول نیز پرداخته‌اند، می‌توان از *المیزان* نام برد.

این مقاله به‌طور خاص به بستر، فضا و اوضاع تاریخی نزول آیه پنجم سوره قصص می‌پردازد و از این ره‌گذر، دانسته می‌شود که این آیه، متضمن بشارت به مسلمانان مستضعف مکه است که سرانجام آنان نیز بر فرعونیان عصر خود، یعنی مشرکان قریش غلبه خواهند یافت و به پیشوایی و وراثت سرزمین‌شان نایل خواهند آمد.

الف) شناخت فضای نزول آیه، با نظر به واژگان کلیدی آن

واژگان کلیدی آیه یادشده عبارتند از:

«مَنْ»: این واژه یا همان «مَنْت» به معنای نعمت سنگین است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۷۵۸) و با توجه به آیه و فضای نزول آن، مَنْت در این جا به معنای حاکمیت بنی اسرائیل مستضعف بر فرعونیان مستکبر است و نزول این آیه در وضعیت استضعاف مسلمانان مکه، متضمن بشارت به حاکمیت آنان بر فرعونیان قریش است. (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۷، ص ۱۸)

«استضعاف»: با توجه به این که آیات ۲ تا ۶ سوره قصص، به ماجرای حضرت موسی (ع) و فرعونیان می‌پردازند، می‌توان فهمید که مقصود از «استضعاف»، کسی است که در اثر ظلم دیگران (هم‌چون فرعونیان)، دچار ضعف شده باشد. اصطلاح «استضعاف» در آیات دیگر قرآن نیز آمده است که با توجه به آیات قبل و بعد، مفهوم آن بهتر مشخص می‌شود؛ مانند آیه ۷۵ سوره اعراف که «استضعفوا» به مستضعفان بایمان معنا شده است؛ زیرا

آیات ۷۳ تا ۷۹ سوره اعراف، به ماجرای قوم حضرت صالح (ع) می‌پردازند و این که خداوند آنان را جانشینان قوم «عاد» قرار داد و در زمین مستقر ساخت، اما به سبب نافرمانی دچار عذاب و هلاکت شدند. هم‌چنین در آیات ۳۱ تا ۳۸ سوره سبا، به موضوع نافرمانی کافران زمان پیامبر (ص) می‌پردازد و در این جا نیز روشن است که «استضعفوا»، اشاره به مستضعفان و کسانی دارد که در مقابل مستکبران هستند.

در آیات ۷۱ تا ۷۶ سوره نساء نیز که بحث جهاد در راه خدا مطرح شده، «مستضعفین» در قالب آیه ۷۵ به معنای مردان، زنان و کودکانی است که به دست ستم‌گران تضعیف شده‌اند. در آیه ۹۸ سوره نساء نیز «مستضعفین»، به آن دسته از مردان، زنان و کودکانی گفته شده که به راستی زیر فشار ستم‌پیشگان قرار گرفته‌اند و نه چاره‌ای دارند و نه راهی برای نجات از آن محیط آلوده می‌یابند. در آیه ۱۲۷ همین سوره نیز ضمن بیان حکم زنان، «الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوُلْدَانِ»، به کودکان صغیر و ناتوان، معنا شده است؛ بنابراین در یک معنای وسیع‌تر می‌توان گفت: از منظر قرآن کریم، مستضعف کسی است که دچار ضعف باشد اما در این ضعف و ناتوانی، مقصر نباشد؛ یعنی یا به واسطه ستم دیگران به ضعف کشیده شده و یا به جبر وضعیت و محیط، در ضعف و ناتوانی قرار گرفته است.

اکنون می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به مفاهیم آیات مذکور و با تکیه بر فضای نزول آیه پنجم سوره قصص و نیز با عنایت به مجهول بودن فعل «استضعفوا» در این آیه، منظور از مستضعفان، کسانی از مؤمنان مکه یا بنی اسرائیل هستند که خود نقشی در ناتوانی‌شان نداشته باشند و خوی ستم‌گری زورمداران، آن‌ها را به استضعاف کشیده باشد.

«ائمه»: در آیه * قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا * (بقره: ۱۲۴)، کلمه امام به معنای کسی آمده است که مردم از او پیروی می‌کنند و دنباله‌رو او هستند (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۹؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۸۶۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۷). در آیه ۷۳ سوره انبیاء نیز آمده است: * وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ *؛ و در آیه ۲۴ سوره سجده می‌خوانیم: * وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ *. در این آیات از امامانی یاد شده که به خیر و سعادت و هدایت دعوت می‌کنند؛ اما در مقابل ایشان، قرآن کریم به «ائمه کفر» نیز اشاره می‌کند که به

ضلالت و آتش دوزخ فرامی خوانند: *وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ* (قصص: ۴۱)، و یا *وَإِنْ نَكْثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةً الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ* (توبه: ۱۲)؛ بنابراین، کسی که مردم پیرو او باشند، امام آنان است، اعم از این که دعوت کننده به خیر و هدایت باشد یا به شر و ضلالت؛ و طبعاً مردم نیز بر اساس این که چه کسی را امام خود قرار داده‌اند، یا بهره‌مند از هدایت و سعادت می‌شوند و یا گرفتار در ضلالت و شقاوت.

هم‌چنین برای واژه «ائمه» به نقل از صحابه و تابعین، اقوالی ذکر شده است، مانند «پیشوایانی که در امور خیر به آنان اقتدا می‌شود» (به نقل از ابن عباس)، «دعوت کنندگان به خیر و خوبی» (به نقل از مجاهد) و نیز «سرپرستان و والیان امور» (به نقل از قتاده) (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۱۹). هم‌چنین ضحاک گفته است که «انبیاء مصداق ائمه هستند» (اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۲۸۶). در این حال، برخی مانند طبری، بغوی، قرطبی، ثعلبی، فخر رازی، سیوطی، آلوسی، ابن جوزی و کاشانی، نظر قتاده را ترجیح داده‌اند. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۱۹؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۵۲۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۲۴۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۲۳۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۵۷۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۲۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۲۵۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۳۷۴؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۷، ص ۴۸) با تأمل در معنای «ائمه» در قالب آیات یادشده، می‌توان نتیجه گرفت که منظور از ائمه در آیه ۵ سوره قصص، پیشوایی و وراثت مستضعفان مکه خواهد بود که سایر مردم در امور خیر به آنان اقتدا خواهند کرد و خداوند این نعمت سنگین و بزرگ را به آنان وعده داده است.

«وارثین»: در معنای واژه «وارثین» در این آیه علاوه بر ارث مالی می‌توان بر توارث معنوی نیز توجه کرد، چرا که راغب ذیل آیه ۶ سوره مریم *يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ عَالِي يَعْشُوبَ* می‌نویسد: «یعنی وَرَاثَةُ النَّبَوِّهِ وَالْعِلْمِ وَالْفَضِيلَةِ دُونَ الْمَالِ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۸۶۳). نظر قتاده این است که «وارثین»، یعنی کسانی که پس از فرعون و قومش سرزمین مصر را به ارث بُردند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۰، ص ۱۹). ابن عطیه و به تبع وی ابوحیان نیز به نقل از قتاده، وارثین را به کسانی که وارث حکومت سرزمین مصر و شام شدند، تفسیر کرده‌اند (اندلسی،

۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۲۸۶)؛ اما از سیاق و فضای آیه می‌توان نتیجه گرفت که قوم بنی‌اسرائیل برای نمونه بیان شده‌اند و از آن جا که این آیه در فضای مکه نازل شده، مخاطب قرآن، مؤمنان به ضعف کشیده شده مکه هستند که وارثان زمین خواهند بود.

در آیات دیگر قرآن نیز موضوع «وراثت» مطرح است؛ مانند آیات ۴۷ تا ۵۵ سوره غافر که درباره قوم حضرت موسی (ع) است. در آیه ۵۳ این سوره آمده که ما به موسی هدایت بخشیدیم و بنی‌اسرائیل را وارثان کتاب (تورات) قرار دادیم. در آیات ۱۵ تا ۳۳ سوره دخان نیز موضوع قوم موسی (ع) در میان است و در آیه ۲۸ آن آمده: «این چنین بود ماجرای آنان، و ما اموال و حکومت ایشان را میراث برای اقوام دیگری قرار دادیم». هم‌چنین در آیات ۱۲۷ تا ۱۲۹ سوره اعراف، به داستان قوم موسی (ع) می‌پردازد و در آیه ۱۲۸ می‌فرماید که موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جوید و استقامت پیشه کنید که زمین از آن خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است»؛ و مجدداً در آیات ۱۳۶ تا ۱۴۱ همین سوره، به داستان قوم حضرت موسی می‌پردازد و در آیه ۱۳۷ آمده که مشرق‌ها و مغرب‌های پُربُرت زمین را به آن قوم به ضعف کشانیده‌شده، به ارث دادیم. هم‌چنین آیات ۵۲ تا ۶۶ سوره شعراء، به قوم موسی (ع) می‌پردازد و آیه ۵۹، بنی‌اسرائیل را وارث نعمت‌ها معرفی می‌کند. در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء نیز بدین مفهوم آمده است که در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد؛ در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان».

آیات ۷۳ تا ۷۵ سوره زمر، موضوع قوم حضرت محمد (ص) را مطرح کرده که آیه میانی آن در مورد کسانی است که تقوای الهی دارند و می‌گویند: «ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین را میراث ما قرار داد که هر کجا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم؛ چه نیکوست پاداش عمل‌کنندگان»؛ و باز در آیات ۲۰ تا ۲۷ سوره احزاب، موضوع قوم حضرت محمد (ص) به میان آمده و مشتمل بر عبارت «أَوْرَثَكُم» است؛ یعنی «زمین‌ها، خانه‌ها و اموالشان را در اختیار شما گذاشت و هم‌چنین زمینی را که هرگز در آن گام نهاده بودید؛ و خداوند بر هر چیز تواناست». هم‌چنین در آیات ۹۰ تا ۱۰۲ سوره اعراف، قوم حضرت محمد (ص) مورد نظر است که در آیه صدم آن عبارت

«لَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ» آمده که معنای آیه چنین است: «آیا کسانی که وارث روی زمین بعد از صاحبان آن می‌شوند، عبرت نمی‌گیرند؟! که اگر بخواهیم، آن‌ها را نیز به گناهانشان هلاک می‌کنیم و بر دل‌هایشان مهر می‌نهم تا صدای حق را نشنوند». در برخی آیات نیز ترکیبات مشابهی از وراثت آمده و مربوط به جنت است مانند آیات ۶۶ تا ۷۳ سوره زخرف، آیات ۱ تا ۱۱ سوره مؤمنون، آیات ۴۰ تا ۴۳ سوره اعراف و آیات ۵۸ تا ۶۳ سوره مريم.

با توجه به آیات یادشده، می‌توان نتیجه گرفت که هلاکت فرعونیان و به حکومت رسیدن بنی اسرائیل، از سنت‌ها و وعده‌های قطعی پروردگار بوده که البته اختصاص به بنی اسرائیل زمان حضرت موسی (ع) و یا هیچ قوم مستضعف دیگری ندارد، بلکه ارث بردن مستضعفان از مستکبران، یک سنت دائم است.

با توجه به مفهوم برخی واژگان آیه یعنی «مَرَّةً»، «استضعاف»، «أُتْمَةً» و «الوارثین» در قالب آیه ۵ سوره قصص و هم‌چنین بررسی این مفهوم در آیات سوره‌های دیگر، در بحث شناخت و تطبیق فضای نزول می‌توان مشاهده کرد که فضا و ساختار مصر و هم‌چنین مکه، قبیله‌ای بوده و قریشیان هم‌چون فرعونیان ظلم می‌کردند و تازه مسلمانان هم‌چون همراهان حضرت موسی (ع) زیر شکنجه و آزار بودند. با توجه به این آیه، مسلمانان همراه پیامبر (ص) نیز جزء مستضعفان زمین هستند و آنان را پیشوایان و وارثان قوم معرفی کرده‌اند و این که آنان از چنان موقعیت و منزلتی برخوردار خواهند شد که پیشوای خوبی پیدا خواهند کرد و با راهنمایی این پیشوا، به منزلت و جایگاه وارثی زمین می‌رسند. البته آن‌چه از آیه ۵ سوره قصص با توجه به معنای واژگان و سیاق آیه معلوم می‌شود، آن است که شما وارث سرزمینی می‌شوید مانند ارض موعود که هم جنبه مادی دارد هم معنوی. در آیات ۲۰ تا ۲۶ سوره مائده، به ارض مقدس می‌پردازد که در مورد قوم حضرت موسی (ع) است و بیان می‌کند، از دیدگاه اسلام اصل اندیشه مالکیت سرزمین موعود به کیفیتی که یهودیان بر آن اصرار دارند، پذیرفتنی نیست و این اراده الهی در زمان خاص و مشروط به اطاعت بنی اسرائیل بوده است. در عین حال، مسأله تعیین دقیق حدود سرزمین موعود، یکی از مشکلات اساسی بوده که در میان یهودیت وجود داشته است.

خدای سبحان در آیه ۲۶ سوره مائده، سرزمین مورد نظر خود را به قداست توصیف کرده و مفسران مقدس بودن آن سرزمین را تفسیر کرده‌اند به سرزمینی که به سبب سکونت انبیا و مؤمنان در آن، مطهر از شرک است و در قرآن کریم چیزی که این کلمه را تفسیر کند و به ما بفهماند چرا آن سرزمین مقدس است وجود ندارد و آنچه ممکن است در این باره از آن استفاده شود، این دو آیه شریفه است: آیه ۱ سوره اسراء: «إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ» و آیه ۱۳۷ سوره اعراف: «وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يَسْتَضِعُّونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا» که در هر دو آیه درباره مسجد الاقصی، سرزمین مبارک معرفی شده و معلوم است که مبارک بودن آن جز برای این نبوده که خدای عزوجل خیر کثیر در آن سرزمین قرار داده بود. (طباطبایی، ۱۳۸۷ش، ج ۵، ص ۴۷۰)

(ب) شناخت فضای نزول آیه، با توجه به ظاهر و سیاق آن

آیات ۳ تا ۶ سوره قصص از این قرار است: «تَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ * إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَتَّبِعُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ * وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»

با توجه به سیاق، در این آیات نخست خطاب به حضرت محمد (ص) آمده است که ما پاره‌ای از داستان موسی (ع) و فرعون را بر تو می‌خوانیم تا برای گروهی که به تو ایمان می‌آورند، بشارت باشد. آن گاه به ستم‌های فرعون به بنی اسرائیل پرداخته و اظهار کرده: «فرعون به طغیان در سرزمین مصر پرداخته و ساکنان آن را چند گروه کرده و قبطی‌ها را قوی و بنی اسرائیل را ضعیف ساخته بود؛ پسرانشان را می‌کشت و زنانشان را زنده نگاه می‌داشت؛ او تبه‌کار بود و اراده ما بر آن قرار گرفته است که بر "ضعیف‌نگاه‌داشته‌شدگان" منت نهیم و آنان را پیشوا و وارث گردانیم و در سرزمین موعود مکنت بخشیم و به بنی اسرائیل آن عذاب را که فرعون و هامان و سپاهیان‌شان را از آن بیم می‌دادیم، نشان دهیم».

ظاهر و سیاق آیه ۵ آشکارا نشان می‌دهد که درباره قصه موسی (ع) و فرعون است؛ با وجود این، لفظ «نرید» که بر استقبال دلالت دارد، گویا در مقام بیان یک سنت الهی است که

شامل همه مستضعفان می گردد و با عنایت به این که سوره قصص در مکه نازل گردیده، متضمن بشارت به مسلمان مکه نیز هست که تحت استضعاف سران مشرک قریش بودند. گویا این آیه، به آنان نیز وعده داده که مثل بنی اسرائیل که بر فرعونیان پیروز شدند و پیشوا و وارث سرزمین گردیدند، آنان نیز بر سران مشرک قریش پیروز می شوند و پیشوا و وارث سرزمین خواهند گردید. برخی از مفسران شیعه از جمله شیخ طوسی، اگرچه به فضای نزول این آیات پرداخته، از دلالت لفظ «نرید» بر استقبال سخن گفته اند؛ اما آن را بر ظهور حضرت مهدی در آخرالزمان تطبیق داده اند. (طوسی، ۱۳۷۱ ش، ج ۸، ص ۱۳۱)

ج) شناخت فضای نزول آیه، با توجه به آیات دیگر سوره قصص

سوره قصص، از سوره های مکی نازل شده در سال نهم بعثت است (هاشم زاده هریسی، ۱۳۷۳ ش، ص ۷۵؛ بهجت پور، ۱۳۹۴ ش، ج ۴، ص ۲۶۷) که این نظر با روایت ابن عباس و جابر بن زید، سازگاری دارد (معرفت، ۱۳۹۷ ش، ص ۹۰)؛ زیرا طبق این نظر، سوره قصص چهل و نهمین سوره در ترتیب نزول، و پس از سوره شعرا و پیش از سوره نمل است. غرض سوره قصص، وعده جمیل به مؤمنانی است که قبل از هجرت به مدینه عده اندکی بودند و مشرکان و فراعنه قریش، ایشان را ضعیف و ناچیز می شمردند؛ اقلیتی که در مکه در بین این طاغیان در سخت ترین وضعیت به سر می بردند. به همین منظور، این قسمت از داستان موسی و فرعون را برای آنان خاطرنشان می سازد و عین همین سنت را در میان مؤمنان جاری خواهد کرد و ایشان را به ملک و عزت و سلطنت خواهد رسانید و رسول خدا (ص) را دوباره به وطن باز خواهد گردانید. آن گاه از این داستان منتقل می شود به بیان این که در حکمت خدا، لازم است که از جانب خودش کتابی نازل کند تا آن جناب نیز برای دعوت به حق کتاب داشته باشد. سپس سخنان طعن آمیز مشرکان را نقل فرموده که درباره دعوت قرآن گفتند که چرا به وی آنچه به موسی داده شد، ندادند و به آن پاسخ می دهد. نیز علت ایمان نیاوردن آنان را نقل نموده به این که «اگر به تو ایمان بیاوریم و هدایت تو را پیروی کنیم، قدرت ما از ما سلب می شود» و به آن پاسخ می دهد و به این منظور داستان قارون و فرو رفتنش در زمین را برایشان مجسم می سازد. (طباطبایی، ۱۳۸۷ ش، ج ۱۶، ص ۵ - ۶)

بخش آغازین سوره قصص، به موضوع امید به پیروزی و حفظ رهبر و هم‌چنین به اطمینان خاطر از هزیمت و سقوط جریان مخالف می‌پردازد. پس خداوند داستان حضرت موسی (ع) را بر پیامبرش نقل می‌کند و با جمله «لَقَوْمٌ يُؤْمِنُونَ» در آیه ۳، اشاره می‌فرماید که به‌زودی با پیامبر (ص) و مؤمنان و دشمنانشان نیز همان را خواهد کرد؛ هم‌چنین در دوره‌های بعد که وضعیت و فضای مشابه داشته باشند، این جریان و این سنت الهی جاری است و بیان می‌شود که ای پیامبر اگر تو زیر فشار هستی، لطف و حمایت الهی شاملت خواهد شد، همان‌طور که حضرت موسی (ع) از کودکی تحت لطف و حمایت قرار گرفت. هم‌چنین اشاره دارد به این موضوع که قریش قبل از آمدن پیامبر اسلام، به موسی (ع) هم کافر بودند؛ پس بیان می‌کند که «ای پیامبر به قریش بگو: اگر می‌توانید بهتر از تورات و قرآن بیاورید»؛ پس هم‌چنان که موسی (ع) آمد تا فرعونیان را انذار کند، پیامبر (ص) نیز برای انذار قریشیان آمده است.

پیامبر (ص) در موقعیت و فضایی بود که به مردم می‌فرمود مسلمان شوید و آن‌ها در پاسخ بیان می‌کردند که اگر مسلمان شویم، ما را غارت می‌کنند و می‌ربایند؛ لذا پاسخ آمد که خداوند مکه را حرم امن الهی قرار داد؛ هم‌چنین تلویحاً بیان شد که در مرکز هر قومی، پیامبری فرستاده شد و شما ای پیامبر به مرکز ام‌القری فرستاده شدید.

گفتمان مربوط به سوره قصص که در موقعیت و فضای مکه بوده است، در آیات پایانی بیان می‌شود و هم‌چنین دوباره در آیات پایانی، به قصه حضرت موسی (ع) بازمی‌گردد. این که پس از آیات ابتدایی سوره و ذکر قصه حضرت موسی (ع)، از این داستان خارج شد و به اوضاع، مناسبت‌ها و اتفاقات مربوط به مکه پرداخت، اشاره به تناسب‌ها و تشابهات قصه حضرت موسی (ع) با اوضاع مکه دارد.

بخش پایانی سوره قصص به داستان قارون می‌پردازد که مردی ثروتمند و مستکبر بود و بر علم و ثروت خود، تکیه داشت. نقل قصه قارون به جهت تشابه او با ثروتمندان و سران قریش است؛ زیرا آنان نیز مانند قارون، مال و ثروت را از آن خود می‌دانستند نه خدا، و نیز با پیامبر مخالفت و در مسیر تبلیغ و توسعه اسلام گردن‌فرازی می‌کردند. هم‌چنین نقل داستان قارون، از این جهت است که روشن شود نه ثروتمندان مکه، نه قدرتمندان مشرک قریش و

نه بازی گران سیاسی آن محیط، هیچ کدام نمی‌توانند در برابر اراده‌ی خدای متعال که به پیروزی مستضعفان بر مستکبران تعلق گرفته است، کم‌ترین مقاومتی نشان دهند. درواقع بخش پایانی سوره، به ذکر نتایج و تطبیق ماجراهای حضرت موسی(ع) بر اتفاقات میان حضرت محمد(ص) و مکیان معاند، و نیز به رهنمودها، تذکرات و هشدارهایی به پیامبر درمورد قرآن و نرمش در برابر کافران مکه، اختصاص یافته است.

این مطالب به‌عنوان روشن ساختن وجوهی از مناسبت‌ها، حوادث، ماجراها و امثال این مسائل، در دوره‌ی نزول آیه ۵ سوره قصص است. درواقع خدای حکیم در سوره قصص، قدرت تنبیه کردن و چشاندن شکست به دشمنان را نشان داده و فرموده که بر اساس اراده‌ی الهی، مستضعفان و مسلمانان، به اقتدار می‌رسند و وارثان زمین می‌شوند.

(د) شناخت فضای نزول آیه، با توجه به آیات مشابه دیگر سوره‌ها

در قرآن به‌جز آیه ۵ سوره قصص، آیاتی وجود دارند که از به میراث بردن زمین به‌دست افرادی سخن می‌گویند. این آیات عبارتند از:

۱. *وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ* (انبیاء: ۱۰۵)؛
۲. *وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ* (نور: ۵۵)؛ این آیه که به آیه استخلاف معروف است، به وعده خداوند به مؤمنان درباره‌ی برپایی حکومت صالحان در زمین و بسط دین حق اشاره می‌کند. این آیه در جواب مسلمانانی نازل شد که از ناامنی و حمله کفار در بیم بودند و از زمان رسیدن آرامش سؤال می‌کردند.
۳. *وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانَ لِأُولَئِكَ أَنْ يَدِينُوا بِكُلِّ نَجْوَى الْمَجْرِمِينَ* ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ* (یونس: ۱۳ و ۱۴)؛

۴. *وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا* (اعراف: ۱۳۷)؛
۵. *وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ* وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ* (ابراهيم: ۱۳ و ۱۴).

بر اساس این آیات، پیروزی نهایی برای دو گروه است: صالحان و مستضعفان. هم‌چنین از نظر لفظ و محتوا، آیات ابتدایی سوره قصص، شباهت بسیاری به آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ سوره اعراف دارند: * قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ * قَالُوا أَوِ دِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمَنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يَهْلِكَ عِدْوُكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ * و عبارات «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» و «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» و نیز «وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ» نظیر آیات ۵ و ۶ سوره قصص: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ...» هستند.

در این آیات نیز خدای متعال، به مظلومان و ضعیفان وعده می‌دهد که وارث زمین خواهند شد و به صورت یک قانون کلی و در قالب فعل مضارع و مستمر بیان شده، تا تصور نشود که این موضوع، به مستضعفان بنی اسرائیل در حکومت فرعونیان اختصاص داشته است. به این صورت، به مسلمانان مستضعف مکه بشارت می‌دهد که بر فرعونیان زمان خویش یعنی قریش ظفر خواهند یافت و وارث قدرت و موقعیت آنان خواهند گردید.

با توجه به سیاق آیات، مفاهیمی چون: «استخلاف»، «تمکین»، «وعده فتح» و «استغفار ذنب» نیز از آیه ۵ سوره قصص استنباط می‌شود که می‌توان برای فهم و درک فضای نزول آن، این مفاهیم را در آیات دیگر قرآن پیگیری و بررسی نمود؛ مانند:

۱. مفهوم استخلاف

آیات ۷۱ تا ۷۳ سوره یونس، به سرگذشت قوم حضرت نوح(ع) اشاره دارد که عاقبت کسانی بود که انذار شدند ولی اهمیت ندادند. آیات ۶۵ تا ۷۲ سوره اعراف، به سرگذشت قوم حضرت هود(ع) اشاره کرده که خداوند قوم عاد را جانشینان قوم نوح قرار داد اما نافرمانی کردند و سرانجام، ریشه کسانی که آیات خدا را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند، قطع کرد. آیات ۵۰ تا ۶۰ سوره هود نیز سرگذشت قوم حضرت هود(ع) بیان می‌شود که به سبب نافرمانی از رحمت خدا دور شدند. در سوره اعراف، آیات ۷۳ تا ۷۹ سرگذشت حضرت صالح(ع) آمده که قوم ثمود نافرمانی کردند و «ناقه» را پی نمودند و سرانجام زمین لرزه آن‌ها را فرا گرفت. هم‌چنین آیات ۱۲۷ تا ۱۲۹ این سوره، به وراثت زمین و

استخلاف بنی اسرائیل وعده داده است. این آیات با بیان قصه موسی (ع) و فرعون، هلاکت قریش و وراثت سرزمین و استخلاف در آن سرزمین به پیامبر (ص) و مسلمانان را وعده داده‌اند. هم‌چنین آیات ۱۳۶ و ۱۳۷ سوره اعراف، به ماجرای غرق شدن فرعونیان در دریا اشاره دارد. آیات ۶۲ و ۶۳ سوره نحل نیز به قوم حضرت محمد (ص) اشاره کرده که آن‌ها برای خدا چیزهایی قرار می‌دادند که خودشان از آن کراهت داشتند (فرزندان دختر)؛ بااین حال، زبان‌شان به دروغ می‌گوید که سرانجام نیکی دارند! از این رو برای آنان آتش دوزخ فراهم شده است و آن‌ها از پیشگامان (دوزخ) هستند.

در آیات ۱۳ و ۱۴ سوره یونس، خطاب به امت حضرت محمد (ص) آمده است که ما امت‌های پیش از شما را به دلیل این که ظلم کردند و [با لجاجت و عناد] به پیامبرشان ایمان نیاوردند، هلاک کردیم، سپس شما را جانشینان آن‌ها در روی زمین قرار دادیم تا ببینیم شما چگونه عمل می‌کنید. آیات ۳۹ تا ۴۵ سوره فاطر، به جانشینی قوم حضرت محمد (ص) در روی زمین اشاره دارند مبنی بر این که هرکس کافر شود، کفر او به زیان خودش خواهد بود و این که اقوام گذشته به سبب استکبار در زمین و نیرنگ‌های بدشان دچار عذاب شدند و این سنت الهی است که هرگز تغییر و تبدیل نخواهد شد. هم‌چنین در آیات ۱۳۰ تا ۱۳۵ سوره انعام خطاب به انس و جن، به نافرمانی اقوام گذشته اشاره شده و این که هرکس را بخواهد جانشین شما می‌سازد؛ همان‌طور که شما را از نسل اقوام دیگری به وجود آورد. آیات ۱۶۱ تا ۱۶۵ سوره انعام نیز اشاره دارند به این که خداوند امت پیامبر (ص) را جانشینان و نمایندگان خود در زمین ساخت و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد، تا این که آنان را به وسیله آن‌چه در اختیارشان قرار داده بیازماید.

آیات ۵۴ تا ۵۷ سوره نور نیز خطاب به قوم حضرت محمد (ص) است مبنی بر این که خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکم‌ران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید. البته در بحث خلافت می‌توان به آیات ۲۲ تا ۲۶ سوره ص توجه کرد که به خلافت داوود (ع)، و آیات ۳۰ تا ۳۹ سوره بقره که به خلافت حضرت آدم (ع) بر روی زمین اشاره دارند. هم‌چنین آیه ۵۵ سوره نور که مدنی است، شباهت محتوایی با آیه ۵ سوره قصص

دارد که مکی است؛ آیه ۵۵ سوره نور نیز مانند آیه ۵ سوره قصص، از پیروزی نهایی پیروان حق می‌گوید که یک سنت الهی است.

در تفسیر المیزان ذیل آیه ۵۵ سوره نور آمده:

«قول کسی که گفته: مراد از مستخلفین قبل از ایشان، بنی اسرائیل است که خدا بعد از هلاک کردن فرعون و لشکریان‌ش سرزمین مصر و شام را به ایشان ارث داده، و در آن مکتشان داد، هم‌چنان که درباره آنان فرمود: *و نرید ان نم‌ن علی الاذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین و نمکن لهم فی الارض* حرف صحیحی نیست؛ زیرا آیه مورد بحث از مردمی خبر می‌دهد که بعد از ارث بردن زمین، اجتماعی صالح تشکیل دادند و قوم بنی اسرائیل بعد از نجاتشان از فرعون و لشکرش، هرگز از کفر و نفاق و فسق خالص نگشتند، پس دیگر معنا ندارد که استخلاف بنی اسرائیل را مثل بزنند». (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۲۱۰)

هم‌چنین مضمون کلام علامه در ذیل آیه ۵۵ سوره نور این است که اختلاف شدیدی بین مفسران درباره مورد نزول این آیه و مفاد آن وجود دارد. بعضی گفته‌اند: درباره اصحاب رسول خدا (ص) نازل شده و خدا وعده‌ای را که به ایشان داد منجز کرد و زمین را در اختیار ایشان قرار داد و دین ایشان را تمکین داد و ترس ایشان را به امنیت تبدیل کرد. آری بعد از رحلت رسول خدا (ص) در دوران خلفای راشدین، اسلام را پیش برد و عزت داد و در نتیجه، آن ترسی که مسلمانان از کفار و منافقین داشتند، از میان رفت و مراد از استخلاف ایشانف استخلاف خلفای چهارگانه بعد از رسول خدا (ص) و یا تنها خلفای سه‌گانه اول است. بعضی دیگر گفته‌اند که این آیه، شامل عموم امت محمد (ص) می‌شود و مراد از استخلاف امت وی و تمکین دین ایشان و تبدیل خوفشان به امنیت، این است که زمین را به ایشان ارث داد، آن‌چنان که به امت‌های قبل از اسلام ارث داد؛ و یا مراد، استخلاف خلفای بعد از رسول خدا (ص) و تمکین اسلام و شکست دادن دشمنان دین است که خدای تعالی بعد از رحلت آن جناب، به وعده خود وفا کرد و اسلام و مسلمانان را یاری نمود و شهرها و اقطار عالم برای آنان فتح شد. بنابر این دو قول، آیه شریفه از پیش‌گویی‌های قرآن خواهد بود، چون خبر از اموری داده که هنوز در عالم تحقق نیافته و حتی آن روز امیدش هم نمی‌رفت.

بعضی دیگر گفته‌اند: این آیه مربوط به مهدی موعود (ع) است که اخبار متواتر از ظهورش خبر داده و فرموده که زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌طور که پر از ظلم و جور شده باشد و مراد از «الذین آمنوا و عملوا الصالحات»، رسول خدا (ص) و اهل بیت علیهم السلام هستند ولی آن‌چه از سیاق آیه به نظر می‌رسد، صرف‌نظر از مسامحه‌هایی که چه‌بسا بعضی از مفسران در تفسیر آیات قرآنی دارند، این است که بی‌شک، آیه درباره‌ی بعضی از افراد امت است نه همه‌ی امت و نه اشخاص معینی از امت، و این افراد عبارتند از کسانی که مصداق «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» هستند و آیه، نص در این معناست و هیچ دلیلی نه در الفاظ آیه و نه از عقل وجود دارد که دلالت کند بر این که مقصود از آنان تنها صحابه‌ی رسول خدا و یا خود رسول خدا (ص) و اهل بیت علیهم السلام باشد و نیز هیچ دلیلی نیست بر این که مراد از «الذین» عموم امت بوده، و اگر وعده در آیه متوجه به طایفه مخصوصی از ایشان شده، به خاطر صرف احترام از آنان یا عنایت بیش‌تر به آنان بوده؛ زیرا همه این حرف‌ها سخنانی خودساخته و بی‌دلیل است.

مراد از استخلاف آنان در زمین، نظیر استخلاف نیاکان و امم گذشته، این است که اجتماعی صالح از آنان تشکیل دهد که زمین را ارث ببرند، آن‌طور که نیاکان و امم گذشته از صاحبان قوت و شوکت ارث بردند و این استخلاف قائم به مجتمع صالح ایشان است، نه به افراد معینی از ایشان، هم‌چنان که در امت‌های قبل از ایشان قائم به مجتمع بود.

آن‌چه از همه مطالب برآمد این شد که خدای سبحان، به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده داده که به زودی جامعه‌ای برایشان تکوین می‌کند که به تمام معنا صالح، و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد، زمین را ارث برد و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد؛ ایمن زندگی کنند؛ ترسی از دشمن داخلی یا خارجی نداشته باشند؛ از کید نیرنگ‌بازان، و ظلم ستم‌گران و زورگویی زورگویان آزاد باشند و این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده، و دنیا از روزی که پیامبر (ص) مبعوث به رسالت گشته تاکنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی (ع) خواهد بود، چون اخبار متواتری که از رسول خدا (ص) و ائمه اهل بیت (ع) در خصوصیات آن جناب

وارد شده، از شکل‌گیری چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد، البته این در صورتی است که روی سخن در آیه را متوجه مجتمع صالح بدانیم، نه تنها حضرت مهدی (عج). پس حق مطلب این است که اگر واقعا بخواهیم حق معنای آیه را به آن بدهیم (و همه تعصبات را کنار بگذاریم)، آیه شریفه جز با اجتماعی که با ظهور مهدی (عج) به زودی شکل می‌گیرد قابل انطباق با هیچ مجتمعی نیست که در این صورت، موعود به این وعده امت و مراد از استخلاف ایشان عزت و شوکتی است که بعد از هجرت رسول خدا(ص) و بعد از رحلت آن جناب نصیب مسلمانان شد، ولی اگر معنا این باشد باز وجهی نیست که تنها شامل زمان خلفای راشدین باشد، بلکه بعد از آنان را نیز تا زمان انحطاط خلافت اسلامی را شامل می‌شود. این وجهی است که می‌توان برای آیه تصور کرد؛ اما تطبیق آیه با دوره خلفای راشدین و یا سه نفر اول و یا تنها دوره علی(ع) هیچ وجهی ندارد. (همان، تخلص صفحات ۲۱۲ - ۲۱۷)

۲. مفهوم تمکّن

آیه ۶ سورة انعام و آیات ۲۱ تا ۲۷ سورة احقاف، به مکانت اقوام گذشته، آیات ۸۳ تا ۹۸ سورة کهف به مکانت ذوالقرنین، آیات ۲۱ و ۲۲ و ۵۴ تا ۵۷ سورة یوسف به مکانت ایشان و آیات ۵۴ تا ۵۷ سورة نور، آیات ۳۸ تا ۴۱ سورة حج، آیه ۱۰ سورة اعراف و آیات ۵۶ تا ۶۰ سورة قصص به مکانت قوم حضرت محمد(ص) پرداخته‌اند.

۳. مفهوم وعده فتح

آیات ۴۲ تا ۵۲ سورة قلم و آیات ۷ تا ۱۷ مدثر، به عذاب اخروی قریش وعده داده‌اند؛ هم‌چنین عذاب اخروی قریش با آل فرعون مقایسه شده است. در این آیات نیز وعده هلاکت قریش مقارن قیامت اعلام گردیده و وعده هلاکت قریش در قیامت از سنخ همان هلاکتی دانسته شده که برای فرعون و فرعونیان اتفاق افتاده است. سپس این مقایسه بیش‌تر شده و همان غلبه‌ای که برای حضرت موسی(ع) و بنی اسرائیل بر فرعون و فرعونیان پیش آمده، به پیامبر(ص) و مسلمانان وعده داده است. آیه ۲۰ سورة مزمل، نبرد پیامبر(ص) و مسلمانان با قریش را پیش‌بینی کرده و در آیات ۴۱ تا ۴۸ سورة قمر نیز وعده شکست قریش، با آل فرعون مقایسه گردیده است. در آیات ۳۴ تا ۴۵ سورة ق و آیات ۱۱ تا ۲۰ سورة ص نیز

وعدۀ عذاب اخروی قریش، با اقوام گذشته قیاس می‌شود که در این جا حکومت حضرت داوود(ع) ذکر شده و طی این آیه تلویحاً حکومت حضرت محمد(ص) بشارت داده شده است. هم‌چنین در آیات ۱۲۸ تا ۱۳۵ سورۀ طه و آیات ۱۱۰ تا ۱۲۳ سورۀ یونس، وعدۀ هلاکت قریش با اقوام گذشته قیاس گردیده است. در آیات ۶۹ تا ۷۸ سورۀ غافر نیز به هلاکت قریش در دوران زندگی پیامبر(ص) یا بعد از آن وعده داده شده است. از قیاس این آیات از سورۀ غافر با آیات قبل، چنین دانسته می‌شود که وعدۀ هلاکت اخروی در همان دوران زندگی نبی یا بعد از آن اتفاق می‌افتاد. قرآن کریم در آیات ۳۴ و ۳۵ سورۀ احقاف، آیات ۲۷-۲۹ سورۀ کهف، آیات ۱۲۵-۱۲۸ سورۀ نحل، آیات ۴۵-۴۹ سورۀ طور، آیات ۱-۷ سورۀ معارج، آیات ۵۵-۶۰ سورۀ روم، و آیات ۲۳-۳۱ سورۀ انسان، به موضوع وعدۀ اخروی قریش و قیاس آن با اقوام گذشته می‌پردازد.

۴. مفهوم استغفار ذنب

آیات ۵۱-۵۵ سورۀ غافر، ۱۰-۱۹ سورۀ محمد، ۱-۶، ۱۸-۲۸ سورۀ فتح، ۱-۳ و ۷-۱۱ سورۀ مائده، به موضوع استغفار از گناهان اشاره دارند.

فضای آغاز بعثت، فضایی بود که بخش بزرگی از طبقه مستضعفان و فقرای جامعه، به پیامبر ایمان آوردند و آمادۀ تغییر شدند، ولی متقابلاً بخش بزرگی از طبقه اشراف و ثروتمندان و زورمداران، نه تنها در برابر دعوت پیامبر(ص) مقاومت کردند، بلکه مشکلاتی را نیز برای ایشان و مسلمانان به وجود می‌آوردند؛ لذا برای هر مشکلی آیاتی نازل می‌شد و خدای متعال دستورهای مناسب برای گذر از آن مشکل را به پیامبر(ص) می‌آموخت؛ با وجود این، نگرانی‌هایی برای پیروان آن حضرت وجود داشت، زیرا مشاهده می‌کردند که جریان مخالف در نهایت قدرت است و جبهۀ حق در ضعف به سر می‌برد؛ لذا امید به آینده‌ای روشن در آیه ۵ سورۀ قصص، می‌توانست نقش مهمی را در تداوم رشد جامعه کوچک و غیر علنی مؤمن مکه داشته باشد. (بهجت پور، ۱۳۹۴ش، ص ۲۲۴)

ه) شناخت فضای نزول آیه با توجه به روایات منقول و تفاسیر فریقین

چند روایت ذیل آیه ۵ سورۀ قصص وارد شده‌اند که جری و تطبیق آن بر امامان(ع) است. در الدر المنثور آمده که حضرت علی(ع) ذیل آیه *و نرید ان نمّن...* فرموده:

«مستضعفین فی الارض عبارتند از یوسف و فرزندان» (سیوطی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۲۰)؛ به نظر علامه طباطبایی شاید مراد همان بنی اسرائیل باشند و گرنه ظهور آیه در خلاف معنای مزبور روشن است. (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۱۷)

در نهج‌البلاغه نیز آمده که حضرت علی (ع) فرمود:

«دنیا بعد از همه سرکشی‌هایش سرانجام زیر بار ما خواهد رفت و رو به ما خواهد نمود همانند شتری که در آغاز، بچه خود را شیر نمی‌دهد و لگدپرانی می‌کند و سرانجام به وی میل و عطوفت می‌کند». آن گاه آیه ۵ سورة قصص را تلاوت فرمود. (صالح، ۱۳۷۴، ص ۵۰۶)

در معانی‌الاخبار نیز از قول امام صادق (ع) آمده که رسول خدا (ص) نگاهی به امامان علی و حسن و حسین (ع) کرد و گریست و فرمود:

«شما بعد از من مستضعف خواهید شد».

مفضل عرض کرد: «معنای این کلام رسول خدا (ص) چیست؟»

فرمود: «معنایش این است که بعد از من شما امامید؛ چون خداوند عزوجل می‌فرماید: *و نریدان نحن علی الذین...*. این پیشوایی تا روز قیامت در ما جاری است. (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸۹؛ حسکانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۳۰، ح ۵۸۹)

در این که آیه مذکور درباره امامان علیهم السلام است، روایات بسیاری از طریق شیعه رسیده؛ لذا علامه طباطبایی بیان می‌کند: از مجموع آن‌ها چنین برمی‌آید که این روایات، از قبیل جری و تطبیق مصداق بر کلی است. (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱۶، ص ۱۷)

در روایتی دیگر آمده است که امام زمان (ع) وقتی متولد شدند، گفتند: «أشهد أن لا إله إلا الله» و سپس بر حضرت محمد (ص) و همه امامان (ع) درود و سلام فرستادند و آیات شریفه پنج و شش سورة قصص را تلاوت کردند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۸۹). از امام سجاد (ع) نیز نقل است که فرمودند:

«سوگند به کسی که محمد را به حق بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده قرار داد، نیکان از ما اهل بیت و پیروان آنان به منزله موسی و پیروان او هستند و دشمنان ما و پیروان آنان، به منزله فرعون و پیروان او. سرانجام ما پیروز می‌شویم و آن‌ها نابود می‌شوند و حکومت حق و عدالت، از آن ما خواهد بود». (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۳۷۶)

در تفسیر *فرات* نیز همین روایت از امام سجاده (ع) - با اندکی تفاوت - در مورد آیه ۵
سوره قصص نقل شده است. (فرات، ۱۴۱۰ق، ص ۳۱۴)

علاوه بر روایات یادشده از روایان شیعه امامی، دسته‌ای از غالیان شیعه نیز مانند
مفضل بن عمر، معلم بن محمد و محمد بن سنان، روایات تفسیری نقل کردند که این آیه را درباره
امامان شیعه می‌دانند (نک: صدوق، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۸۹؛ ابن بابویه، ۱۴۳۴ق، ص ۵۶۶؛ ابن
بابویه، ۱۳۸۲ش، ص ۵۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۵۴ و ۶۴؛ مازندرانی، ۱۴۲۹ق، ج ۶،
ص ۱۷۲ و ج ۷، ص ۲۳۲). این روایات نه تنها آیات مربوط به بنی اسرائیل را بر ائمه شیعه انطباق
داده‌اند، بلکه آیات مربوط به مسلمانان مکه را نیز که تحت استضعاف قریش واقع شده بودند،
بر ایشان منطبق دانسته‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۱۶۷ و ۱۷۳؛ ج ۴۳، ص ۲۴۶ - ۲۴۷؛
ج ۵۳، ص ۵۴، ۶۱، ۱۰۲، ۱۱۸ و ۱۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۲۵ - ۳۲۶)

در روایات اهل سنت، هیچ اشاره‌ای به فضای نزول آیه وارثان زمین نشده؛ زیرا نظر
غالب آنان درباره آیه ۵ سوره قصص، بنی اسرائیل است. در روایات شیعی نیز مطلب خاصی
درباره فضای نزول این آیه به چشم نمی‌خورد، جز این که مصداق آن بر امامان علیهم السلام و
پیروان آنان تطبیق داده شده و ایشان عبارت از مستضعفان مذکور در آیه به شمار رفته‌اند.

مفسرانی که ذیل آیه مورد نظر بحث کرده‌اند عبارتند از:

- شیخ طوسی در تبیان بیان کرده که این آیه در مورد بنی اسرائیل است و نیز فرموده که
البتّه برخی از اصحاب ما نقل کردند که آیه درباره مهدی (ع) نازل شده است. (طوسی،
۱۳۷۱ش، ج ۸، ص ۱۲۸ - ۱۳۰)

- طبرسی در مجمع البیان آورده که مربوط به بنی اسرائیل است و با تکیه بر روایات، بیان
می‌کند که حضرت محمد (ص) و اهل بیت علیهم السلام و شیعیان، به منزله حضرت موسی (ع)
و شیعیان او هستند و دشمن آنان به منزله فرعون و پیروان او. (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۳۷۶)
- طبری نیز در جامع البیان آورده که منظور بنی اسرائیل هستند و با ذکر روایات متعدد به
داستان حضرت موسی (ع) و ظلم‌های فرعون در حق بنی اسرائیل اشاره کرده است. (طبری،
۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۵۷ و ج ۲۰، ص ۳۳)

-تفاسیر کشف‌البیان سمرقندی، ابن‌زمین، قرطبی، انوارالتنزیل، البحرالمحیط و اُبی‌السعود نیز آیه ۵ سورة قصص را در مورد حضرت موسی (ع) و بنی‌اسرائیل دانسته‌اند (نک: ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۲۳۲ - ۲۳۳؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۵۶؛ ابن‌ابی‌الزمین، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۳۱۶؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۲۴۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۷۱؛ اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۱۰۰؛ اُبی‌السعود، ۱۳۸۸ش، ج ۳، ص ۲۶۶ - ۲۶۷).

-تفسیر رازی ضمن بیان آیه و اشاره به داستان موسی (ع) و بنی‌اسرائیل آورده که منظور از کامل بودن کلام نیکو، تحقق وعده‌ای است که برای از بین بردن دشمن آن‌ها و جانشینی آن‌ها بر روی زمین داده شده و آن وعده، به دلیل صبر آن‌ها اتفاق افتاد. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۲۲۱ و ج ۲۴، ص ۲۲۵ - ۲۲۶)

-تفسیر القرآن‌العظیم، مفهوم وراثت زمین را در مورد بنی‌اسرائیل می‌داند (ابن‌کثیر، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۵۲) اما در ادامه، این مفهوم را تطبیق می‌دهد با عصر نزول و این که پیامبر (ص) از دنیا رفت تا این که خدا مکه، خبیر، بحرین و بقیه شبه‌جزیره عربستان و سرزمین یمن را به طور کامل به او اعطا کرد و این مصداق به ارث رسیدن زمین به مستضعفان است؛ و در ادامه، ابوبکر و یارانش را وارثان زمین می‌داند و ضمن بیان آیه ۲۶ سورة انفال که از نظر محتوا با آیه ۵ سورة قصص شباهت دارد، بیان می‌کند که این آیه مانند آیه ۵۵ سورة نور (آیه استخلاف) و آیه ۵ سورة قصص نازل شد که در همه، بحث پیشوایی و وراثت مستضعفان بر روی زمین مشخص است (همان، ج ۳، ص ۳۱۱ - ۳۱۲). وی در جای دیگر، ضمن بیان داستان حضرت ابراهیم (ع)، آن را با آیه ۵ سورة قصص تطبیق داده که بیان می‌کند ما می‌خواهیم مستضعفان، وارثان زمین باشند مانند بنی‌اسرائیل. (همان، ص ۳۹۱)

-تفسیر شوکانی نیز ضمن بیان روایات، بنی‌اسرائیل را مصداق آیه ۵ سورة قصص می‌داند. (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۶۱ - ۱۶۲)

-علی‌بن‌ابراهیم قمی آیه را درباره رجعت دانسته است (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۲۵). وی فرعون و لشکریان او را بر غاصبان حق آل‌محمد (ص) و وارثان زمین را بر ائمه تطبیق نموده و اظهار کرده است که خداوند غاصبان حق ایشان را بر خواهد گردانید تا از ایشان انتقام بگیرند و آنان را به قتل برسانند. (همان، ج ۲، ص ۱۳۳ و ۲۹۷)

-شیخ طوسی دلیل تطبیق آیه بر امام مهدی (عج) و انصار او و نیز دلیل معرفی غاصبان حق ائمه به عنوان فرعون و هامان این امت را عبارت از لفظ استقبال «نرید» دانسته است. (طوسی، ۱۳۷۱ش، ج ۸، ص ۱۳۱)

-در تفسیر نمونه آمده که چقدر دو آیه ۵ و ۶ سورة قصص گویا و امیدبخش است! هرگز سخن از یک برنامه موضعی و خصوصی مربوط به بنی اسرائیل نمی گوید، بلکه بیان گر یک قانون کلی است برای همه اعصار و قرون و همه اقوام و جمعیت ها. این بشارتی است در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر. نمونه ای از تحقق این مشیت الهی، حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان، و نمونه کامل ترش حکومت پیامبر اسلام (ص) و یارانش بعد از ظهور اسلام بود و نمونه «گسترده تر» آن، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین توسط «مهدی» ارواحنا له الفداء است. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳ش، ج ۱۶، ص ۸-۲۰)

-مفسران معاصر دیگر نظیر علامه طباطبایی، ضمن اشاره به روایاتی که آیه را درباره ائمه اهل بیت شمرده اند، این روایات را بر جری و تطبیق حمل کرده و امامان و پیروانشان را به منزله موسی (ع) و پیروانش، و غاصبان حق ایشان را به منزله فرعون و سپاهش به شمار آورده اند. (طباطبایی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۶، ص ۱۵)

درواقع بسیاری از مفسران اهل تسنن و شیعه، منظور از این آیه را نجات بنی اسرائیل از آل فرعون و هم چنین اراده خداوند بر جهت گیری تحولات تاریخ، به نفع مستضعفان دانسته اند؛ اما برخی از مفسران شیعه، ارتباط معنایی این آیه را با بنی اسرائیل قبول دارند، ولی مصداق اصلی آن را اهل بیت (ع) می دانند.

نتیجه

در این مقاله، با تکیه بر کلیت سورة قصص، واژگان مهم آیه ۵ این سوره و نیز آیات مشابه آن در دیگر سوره ها، به شناخت فضای نزول آیه پنجم پرداخته شد. فضای نزول آیه وارثان زمین، بازتابی از اوضاع فرهنگی و رخدادهای ویژه تاریخی در زمان نزول این آیه در بستر سورة مکی قصص و حتی خارج آن است؛ به گونه ای که اشاره دارد به استضعاف مسلمانان، ستم کفار و قریشیان و فشارهای حاکم بر پیامبر (ص) و یارانش که این آیه برای قوت قلب و امید بخشی به پیامبر (ص) و یارانش نازل شد.

سوره قصص در قالب داستان موسی (ع) و فرعون، به مسلمانان در دوره مکی بشارت داده که بر مشرکان قریش پیروز خواهند شد و از حکومت برخوردار خواهند گردید. توضیح این که این سوره در وضعیت و فضایی نازل شده است که مؤمنان مکه عده اندکی بودند و زیر فشار و سلطه سران مشرک قریش به سر می بردند. از آن جا که بنی اسرائیل نیز وقتی در مصر گرفتار فرعونیان بودند، با مسلمانان در دوره مکی شباهت داشتند، در این سوره ذکر از اوضاع دشوار بنی اسرائیل در آن دوره رفته و از ره گذر آن، به مسلمانان مکه بشارت داده شده: هم چنان که بنی اسرائیل بر فرعونیان غالب آمدند و وارث حکومت و سرزمین شدند، مسلمانان نیز به حکومت و سرزمین دست خواهند یافت.

در بررسی های به عمل آمده، ملاحظه شد که در روایات، هیچ ذکر از فضای نزول آیه مورد بحث به میان نیامده و تنها در روایات شیعی، این آیه بر اهل بیت (ع) و امام زمان (عج) تطبیق داده شده است.

مطالعات نشان می دهد که مفسران گران قدر، چندان به فضای نزول آیه عنایت نکرده اند. برخی آیه را یک حکم کلی و سنت الهی خوانده اند و برخی به فضای تاریخی نزول آن اشاره کرده و اظهار داشته اند که این آیه به مناسبت استضعاف مسلمان مکه و به منظور بشارت به آنان نازل شده است.

در بحث فضای نزول و بررسی عصر پیامبر (ص)، در میان روایات و تفاسیر اهل تشیع و تسنن، مطلبی بیان نشده و بیش تر به فضای زندگی حضرت موسی (ع) و بنی اسرائیل پرداخته اند و اگر از باب جری و تطبیق به عصر پیامبر اسلام (ص) و پیروانش اشاره شده است، فقط به موضوع ظلم کفار و قریشیان می پردازد که در مکه، پیامبر (ص) و مؤمنان را آزار می دادند و آنان را تضعیف کرده بودند؛ لذا همان طور که به حضرت موسی (ع) و بنی اسرائیل مستضعف، وعده پیشوایی و وراثت زمین داده شد، می توان این وعده را در مورد پیامبر (ص) و مسلمانان مستضعف نیز منطبق دانست.

با توجه به فضای نزول آیه ۵ سوره قصص، مفهوم وراثت و پیشوایی زمین، بر هر عصر و هر دسته از انسان های ستم دیده، مشابه حضرت موسی (ع) و بنی اسرائیل و یا پیامبر (ص) و یارانشان، منطبق خواهد بود و البته به عنوان یک سنت قطعی الهی در همه دوره ها، ساری و جاری خواهد ماند، به شرط این که مستضعفان شرایط و صلاحیت پیشوایی و وراثت زمین را داشته باشند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن أبی زَمَنِین المالکی (الإلبیری)، ابی عبدالله محمد بن عبدالله بن عیسی بن محمد المری، تفسیر القرآن العزیز، محقق: عبدالله بن حسین عکاشه، قاهره: الفاروق الحدیثه، ۱۴۲۳ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، مؤسسه البعثه، ۱۴۳۴ق.
۴. -----، کمال الدین و تمام النعمه، مترجم منصور پهلوان، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲ش.
۵. ابن جوزی، ابوالفرج، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، بیروت: دارالمعرفه للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۲ق.
۷. أبی السعود، تفسیر ابی السعود، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۸۸ش.
۸. اندلسی، ابی حیان، تفسیر البحر المحیط، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۹. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۰. بهجت پور، عبدالکریم، شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم، قم: مؤسسه تمهید، ۱۳۹۴ش.
۱۱. بیضاوی، عبدالله بن محمد الشیرازی الشافعی، أنوار التنزیل وأسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۲. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن محمد ثعلبی نیشابوری، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، محقق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: انتشارات دارالعلم الملاطین، ۱۴۱۰ق.
۱۴. حسکانی، عیبدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، مترجم: احمد روحانی، قم: دارالهدی، ۱۳۸۰ش.
۱۵. رازی، فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، لبنان- سوریه: انتشارات دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۶ق.
۱۷. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۸. سمرقندی، ابوالیث، تفسیر سمرقندی، ج ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۱۹. شوکانی یمنی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدر، دمشق: دار ابن کثیر، دارالکلم الطیب، ۱۴۱۴ق.
۲۰. صالح، صبحی، نهج البلاغه، قم: مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۲۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، معانی الأخبار، مترجم: علی اکبر غفاری و عبدالعلی محمدی شاهرودی، ج ۱، قم: دارکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ش.

۲۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، مترجم: منصور پهلوان، قم: انتشارات کتاب جمکران، ۱۳۹۵ ش.
۲۳. طباطبائی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۸۷.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، لبنان: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۲۶. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، محقق و مصحح سید احمد حسینی، تهران: مرتضوی، ۱۴۱۶ ق.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، ۱۳۷۱ ش.
۲۸. فرات، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، مصحح: محمد کاظم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۳۰. قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، بیروت: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
۳۲. کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتاب‌فروشی علمی، ۱۳۳۶ ش.
۳۳. مازندرانی، مولی محمد صالح، شرح أصول الکافی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۹ ق.
۳۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ایران: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. -----، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ایران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ ق.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان؛ زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ش.
۳۷. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۷ ش.
۳۸. هاشم‌زاده هریسی، هاشم، شناخت سوره‌های قرآن: از سوره «فاتحة الكتاب» تا سوره «ناس»، تهران: کتاب‌خانه صدر، ۱۳۷۳ ش.

Bibliography

The Noble Qur'an.

Other References

- Abi al-So'oud, *Tafsir Abi al-So'oud*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1388 S.H.
 Ālousi, Mahmoud, *Rouh al-Ma'āni fi Tafsir al-Qur'ān al-'Azim*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1415 A.H.
 Andelosi, Abi Hayyān, *Tafsir al-Bahr al-Mohit*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1422 A.H.

- Baghavi, Hosayn Ibn Mas'oud, *Ma'ālem al-Tanzil fi Tasir al-Qur'ān*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1420 A.H.
- Behjat Pour, 'Abdolkarim, *Shenākht Nāmeḥ Tanzili-ye Sourehā-ye Qur'ān-e Karim*, Qom: Tamhid, 1394 S.H.
- Bizāvi, 'Abdollāh Ibn Moammad al-Shirāzi al-Shāfe'i, *Anwār al-Tanzil va Asrār al-Ta'wil (Tafsir al-Bizāvi)*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1418 A.H.
- Fakhr Rāzi, Mohammad Ibn 'Omar, *Maḡātiḥ al-Ghayb*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1420 A.H.
- Forāt, Forāt Ibn Ibrāhim, *Tafsir Forāt*, Edited by Mohammad Kāzem, Tehran: Publication of the Islamic Guidance Ministry, 1410 A.H.
- Hāshem Zāde Harisi, Hāshem, *Shenākht-e Sourehā-ye Qur'ān: Az Sourh "Fāteḥa al-Ketāb" tā Surah "al-Nās"*, Tehran: Sadr Book Store, 1373 S.H.
- Haskāni, 'Obaydollāh Ibn 'Abdollah, *Shavāhed al-Tanzil le-Qavā'ed al-Tafzīl*, Translated by Ahmad Rowhāni, Qom: Dār al-Hodā, 1380 S.H.
- Ibn Abi Zamaneyn al-Māleki (al-Ilbiri), Abi 'Abdollāh Mohammad Ibn 'Abdollāh Ibn 'Isā Ibn Mohammad al-Mari, *Tafsir al-Qur'ān al-'Aziz*, Researched by 'Abdollāh Ibn Hosayn 'Akkāshah, Cairo: al-Fārouq al-Hadithah, 1423 A.H.
- Ibn Bābwiyyh, *Kamāl al-Din va Tamām al-Ne'mah*, Translated by Mansour Pahlevān, Qom: The Holy Mosque of Jamkarān, 1382 S.H.
- Ibn Bābwiyyh, Mohammad Ibn 'Ali, *al-Amāli*, Qom: al-Be'thah, 1434 A.H.
- Ibn Jozay, Abou al-Faraj, *Zād al-Masir fi 'Elm al-Tafsir*, Beirut: Dār al-Ketāb al-'Arabi, 1422 A.H.
- Ibn Kathir, Ismā'il Ibn 'Omar, *Tafsir al-Qur'ān al-'Azim (Tafsir Ibn Kathir)*, Beirut: Dār al-Ma'refah lel-Tebā'ah va al-Nashr va al-Tawzi', 1412 A.H.
- Jowhari, Ismā'il Ibn Hemād, *al-Sahhāh*, Edited by Ahmad 'Abdolghafour, Beirut: Dār al-'Elm lel-Mollāiin, 1410 A.H.
- Kāshāni, Mollā Fathollāh, *Monhaj al-Sādeqin fi Ilzām al-Mokhālefin*, Tehran: 'Elmi Book Store, 1336 S.H.
- Ma'refat, Mohammad Hādi, *'Oloum-e Qur'āni*, Tehran: Samt Publication, 1397 S.H.
- Māzandarāni, Mowlā Mohammad Sāleh, *Sharḥ al-Osoul al-Kāfi*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1429 A.H.
- Majlesi, Mohammad Bāqer, *Behār al-Anwār*, Beirut: al-Vafā' Institute, 1403 A.H.
- Majlesi, Mohammad Bāqer, *Mer'āt al-Oqoul fi Sharḥ Akhbār al-Rasoul*, Iran: Dār al-Kotob al-Islāmiyah, 1404 A.H.
- Makārem Shirāzi, Nāser, *Tafsir-e Nemouneh*, A Group of Authors Supervised by Nāser Makārem Shirāzi, Tehran: Dār al-Kotob al-Islāmiyah, 1353 S.H.
- Qarā'ati, Mohsen, *Tafsir-e Nour*, Tehran: The Cultural Center of Darshā'i az Qur'ān, 1383 S.H.
- Qomi, 'Ali Ibn Ibrāhim Qomi, *Tafsir-e Qomi*, Qom: Dār al-Ketāb, 1363 S.H.
- Qortobi, Abou 'Abdollāh Mohammad Ibn Ahmad, *al-Jāme' le-Ahkām al-Qur'ān (Tafsir al-Qortobi)*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1415 A.H.
- Rāgheb Isfāhāni, Hosayn Ibn Mohammad, *Mofradāt Alfāz al-Qur'ān*, Lebanon-Syria: Dār al-'Elm al-Dār al-Shāmiyah, 1416 A.H.
- Sadouq, Mohammad Ibn 'Ali Ibn Bābwiyyh, *Kamāl al-Din va Tamām al-Ne'mah*, Translated by Mansour Pahlevān, Qom: The Holy Mosque of Jamkarān, 1395 S.H.

- Sadouq, Mohammad Ibn 'Ali, *Ma'āni al-Akhhār*, Researched by 'Ali Akbar Ghaffāri & 'Abdol'ali Mohammadi Shāhroudi, Vol. 1, Qom: Dār Kotob al-Islāmiyah, 1377 S.H.
- Sāleh, Sobhi, *Nahj al-Balāghah*, Qom: al-Bohouth al-Islāmi, 1374 S.H.
- Samarqandi, Aboulayth, *Tafsir-e Samarqandi*, Vol. 1, Beirut: Dār al-Fekr, 1416 A.H.
- Shoukāni Yamani, Mohammad Ibn 'Ali Ibn Mohammad, *Fath al-Qadir*, Damascus: Dār Ibn Kathir, Dār al-Kelam al-Tayyeb, 1414 A.H.
- Soyouti, 'Abd al-Rahmān Ibn Abi Bakr, *al-Dor al-Manthour fi Tafsir al-Ma'thour*, Qom: Āyatollāh Mar'ashi Najafi Library, 1404 A.H.
- Tabari, Abou Ja'far Mohammad Ibn Jarir, *Jāme' al-Bayān*, Beirut: Dar al-Ma'refah, 1412 A.H.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hasan, *Tafsir Majma' al-Bayān fi Tafsir al-Qur'ān*, Lebanon: Dār al-Ma'refah, 1412 A.H.
- Tabātabā'i, Seyyed Mohammad Hosayn, *Tafsir al-Mizān*, Translated by Mohammad Bāqer Mousawi Hamedāni, Qom: Inteshārāt-e Islāmi Howzeh 'Elmiyah Qom, 1387 S.H.
- Tarihi, Fakhr al-Din, *Majma' al-Bahreyn*, Researched by Ahmad Hosayni, Tehran: Mortazawi, 1416 A.H.
- Tha'labi, Abou Ishāq Ahmad Ibn Mohammad, *al-Kashf va al-Bayān 'an Tafsir al-Qur'ān*, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1422 A.H.
- Tousi, Mohammad Ibn Hasan, *al-Tebyān fi Tafsir al-Qur'ān*, Qom: Jāme'ah Modarresin Howzeh 'Elmiyah, 1371 S.H.



فهرست مقالات

- ۹..... بررسی تطبیقی رویکرد وثاقت خبری و وثاقت مخبری به احادیث اهل بیت (ع) و نقش آن در تفسیر قرآن کریم
علی عبدالله زاده | مهدی ایزدی
- ۳۳..... بررسی فضای نزول آیه وارثان زمین با تکیه بر تفاسیر فریقین
فاطمه باباعلی | محمد مهدی تقدیسی | جعفر نکونام
- ۶۱... بررسی تحلیلی آراء قرآن پژوهان فریقین در دلالت آیه ۲۱۹ سورة شعراء بر یکتاپرستی نیاکان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) ..
علی محمدی آشنانی | اکرم ناطق | حسین علوی مهر
- ۸۵..... تفسیر تطبیقی آیه ۱۵۹ سورة نساء و ارتباط آن با نزول حضرت عیسی (ع)
سعید توسلی خواه | دکتر ابراهیم ایزدخواه
- ۱۰۱..... نظریه پردازی تطبیقی درباره عصمت پیامبر اکرم (ص) از نائبرگذاری بر وحی
دکتر مصطفی کریمی | صدیقه پروان
- ۱۲۹..... تحلیل انتقادی دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله معرفت درباره بطن قرآن کریم
دکتر مهیار خانی مقدم | دکتر سیده سعیده غروی
- ۱۶۱..... بازخوانی آیه *وَلَا تَقْلُوبُوا يٰۤاٰیْدِيْكُمْ اِلٰی التَّهْلُكَةِ* با رویکرد پیوستگی و استقلال آیات
محمد بهرامی
- ۱۸۱..... گستره معرفتی قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی
سلیمان خاکبان
- ۲۰۷..... بررسی و تحلیل تفسیری داستان سلیمان (ع) و ملکه سبا در نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با عهد قدیم
سید حسین حسینی بجدنی | مهدی مهریزی طرقي | سید محمد باقر حجتی | عنایت شریفی
- ۲۳۳..... بررسی قرآنی دیدگاه فمینیست های مسلمان و فمینیست های غربی در فرزندآوری
زینب شمس | طلعت حسنی
- ۲۶۹..... بررسی تطبیقی آراء مفسران در تفسیر «هٰذَا رَجِيّ» در آیات ۷۶ تا ۷۹ سورة انعام با تکیه بر ارتباط آیات
محمد حسین برومند | امیر جودوی | سامیه شهبازی
- ۲۹۷..... تحلیل تطبیقی عملکرد تفسیری فخر رازی و آلوسی در مساله جسم انگاری خداوند
محمد بزرگزاده | حسین خاکپور | ابراهیم نوری
- ۳۲۳..... بررسی و نقد دیدگاه مفسران درباره آیه ۱۲۰ سورة انعام (تحلیلی از ظاهر و باطن ائم)
رضا مهدیان فر | سید محمود طیب حسینی

